

حدود ۵ دهه است در بازار فعالیت می کند، در روزهای نهضت انقلاب اسلامی او و برادرانش به همراه پدر، از اصلی‌ترین بازاری‌های حامی انقلاب بودند و بعد از انقلاب هم همواره همسراه انقلاب بوده است. «احمد کریمی‌اصفهانی» دبیر کل جامعه اصناف و بازار، معتقد است وضع اقتصادی خوب نیست. وی بازار را با صفت «خوابیده» توصیف می‌کند و می‌گوید: «دولت روحانی به وعده‌های اقتصادی‌اش عمل نکرده» و «بازار خواهان تغییر وضع موجود است». گفت‌وگوی تفصیلی زیر درباره حال اقتصاد امروز ایران است که او از نهاد بازار به تحلیل آن می‌پردازد.

■ درباره اینکه مشکل کشور الان اقتصاد است، اجماع بی‌سابقه‌ای وجود دارد، مختصات مشکلات اقتصاد ایران از نظر شما چگونه است؟

اول یک مساله سیاسی و اقتصادی را بگویم؛ شما می‌دانید هستتیم که قدرت‌ها بعد از اینکه دیدند کشورگشایی و لشکرکشی به شکل قدیم امکان ندارد، طراحان‌شان نشستند نسخه انقلاب‌های مخملی را در کشورهای مختلف پیچیدند و این هم از یک مسیر امکان داشت و آن هم این بود که ناراضی‌تراشی کنند و مردم را علیه دولتمردان و حاکمیت تجهیز کنند و آنها را در مقابل مسؤولان کشور و حاکمیت قرار دهند.

این روش در بسیاری از کشورها جواب داده، بسیاری از کشورها را شاهه هستتیم که انقلاب مخملی در آنها رخ داد. آمریکا و اروپا در ایران هم خیلی تلاش کردند انقلاب مخملی کنند اما اینجا امکانپذیر نیست، چون اطمینان مردم به رهبری و نظام زیاد است، به همین دلیل تلاش کردند مردم را با قرار دادن در مشکلات اقتصادی و معیشتی زندگی‌شان، درگیر کنند؛ از طرفی هزینه مردم را بالا ببرند؛ از طرف دیگر در نبود شغل و بیکاری در آمدشان کاهش پیدا کند.

باید پیش‌بینی لازم می‌شد؛ کشور از ۳۵ میلیون جمعیت به ۸۰ میلیون رسیده اما متأسفانه هیچ محاسبه‌ای برای کار نشد. تذکرات ولی‌فقیه برای اینکه بالاخره ما حواس‌مان جمع باشد تا آنچه استعمار روی آن دست گذاشته محقق نشود، برای همین بود. تقریباً همه‌جانبه این حرکت را انجام دادند از یک طرف تحریرها و از طرف دیگر عوامل داخلی که به تولید ما ضربه زدند، تصور می‌کنم هیچ کشوری از بیرون نمی‌تواند آسیب‌پذیر باشد و آسیب همیشه از درون کشور است. در ۱۲ سال اخیر و قبل از آن هم که با رهبری ارتباط داشتیم اعتقاد ایشان را می‌دانستیم که کار باید به مردم سپرده شود ولی این کار نشد. سال ۸۴ یک مقطله بود که رهبری ناگزیر بودند- مثل همیشه که می‌گویند من تذکراتم را می‌دهم ولی ممکن است دیگر مسؤولان توجه نکنند- به صحنه می‌آیند و مطلب را با مردم در میان می‌گذارند. سال ۸۴، سالی بود که مساله بر ملا شد نه اینکه بگویم شروع این کار بود، سال ۸۴، ایلایفه بعد ۴۴ و واگذاری پنگاه‌های دولتی به مردم بر ملا شد.

■ **کاری انجام شد؟**

تقریباً یک سال و نیم بعد رهبری حدود ۶۰ تا ۷۰ نفر را دعوت کردند از جمله رؤسای سه قوه و معاونان‌شان، بنده نیز افتخار حضور داشتم و رهبری فرمودند فکر کردم بعد از ابلاغیه‌اصل ۴۴ یک انقلابی در اقتصاد ایجاد می‌شود اما نه‌تنها این اتفاق نیفتاد، بلکه توسعه هم محقق نشد. به دنبال این دیدار، قوه مقننه قانونی را وضع کرد و سال ۸۷، اقتصاد ایران را ۳ گروه کرد؛ گروه یک گروهی بود که صددرصد باید به مردم واگذار می‌شد، در گروه دوم ۸۰ درصد باید واگذار می‌شد و ۲۰ درصد به دلیل اهمیتی که داشت در گرو دولت بود و گروه سوم هم باید در دست دولت می‌ماند. زمان‌بندی انجام و قرار شد در نهایت تا سال ۹۳، هیچ پنگاهی که ماهیت گروه یک و دو را دارد دیگر در اختیار دولت نباشد.

■ **نتیجه چه شد؟**

انجام نشد! البته مختصری انجام شد اما در همین مقطعی که باید واگذاری‌ها انجام می‌شد مجدداً دولت تقاضاهایی را به مجلس می‌آورد و تقاضای بودجه برای آن می‌کرد که از ماهیت یک و دو بودند و مجلس به متأسفانه ردیف بودجه می‌داد، به گونه‌ای دولت و مجلس همکاری می‌کردند که اگر این اتفاق نیفتد و بودجه اختصاصی نیاید، آسمان به زمین خواهد آمد، مجلس هم برای واگذاری مصمم نبود.

■ **نتیجه آن بی‌توجهی به اصل ۴۴ چه شد؟**

امروز یکی از بزرگ‌ترین معضلات که حتی گزارش خود دولت نشان می‌دهد بیکاری است، مساله بیکاری واقعاً فرامشکل ایران است، یک مشکل بسیار بزرگی است که آمار و ارقام آن در اختیار دولت است و آمارها سرسام‌آور است.

■ **مسیر طی‌شده درست نبوده؟**

مسیری که برای اقتصاد نادرست انتخاب کردید، هر چه حرکت می‌کنید از اصل هدف هم دور می‌شوید. اگر در راه اصلی حرکت تکنیکد ارائه‌ده هر چه سریع‌تر حرکت کند، شما را از هدف‌تان دور تر می‌کند. معتقدم ما انحراف در اقتصادمان داریم و هر مقدار تند برویم و هر چه هم راه برویم نه تنها به هدف نمی‌رسیم بلکه از هدف هم بیشتر دور می‌شویم. لذا هر کسی که در بهبود اقتصاد می‌خواهد گام بردارد اولین کارش این است که قطار اقتصاد را روی ریل اصلی خود قرار دهد، اگر روی ریل اصلی قرار گرفت این امکان دارد که درست شود.

■ **ریل اصلی که عنوان کردید واگذاری اقتصاد به مردم است؟**

واگذاری باید انجام می‌شد، فقط هم در شعار، اقتصاد واگذار نمی‌شود، شما همه ابزار مسائل اقتصادی را باید فراهم کنید و مساله هم نیست که مختصر به کشور ما باشد. تولید در مجموع در هیچ جای دنیا مقرون به صرفه نیست و لازمه تولید این است که برخی امکانات در خدمت تولید باشند. البته یکنواخت هم نیست و اگر



احمد کریمی‌اصفهانی، دبیر کل جامعه اصناف و بازار در گفت‌وگو با «وطن امروز»:

«بازار» خواهان تغییر وضع موجود

مردم با پوست و گوشت‌شان رکود را احساس می‌کنند

می‌گویم تولید، تولید را به عنوان کالایی که از کارخانه تولید می‌شود نباید در نظر گرفت، چرا که تولیدی که در اطراف تهران فراهم می‌شود با تولیدی که در لب مرز صورت می‌گیرد، متفاوت است و دولت حتماً باید تدبیر کند که نوع تولیدی که در لب مرز صورت می‌گیرد، با تولیدی که در درون است، متفاوت است و طبیعی است که لب مرز خطرانی تولید را تهدید می‌کند و کسانی که می‌خواهد آنجا سرمایه‌گذاری کند با ریسک بالا باید این کار را انجام دهد؛ از این‌ رو همه امکانات باید برای وی فراهم شود. شما ممکن است بگویید در کنار مرزهای ما امروز پیله‌هوری در جاهای مختلف مانند سیستان و بلوچستان به آن مجوز داده شده است، در حالی که اگر آن روز این کار را شروع کرده بودیم، امروز در تمام مرزهای ما کار تولیدی باید شکل می‌گرفت. به طور مثال فرض کنید باید ۱۰ سال معاف از مالیات باشد و قطعاً برای انجام کارهای خطرناک همیشه باید امتیازهایی باشد که افراد وارد آن شوند.

لذا خود تولید هم اگر قرار است تسهیلاتی برای آن در نظر بگیرد باید متفاوت باشد و نمی‌توان به صورت یکنواخت با آن برخورد کرد و دولت‌ها باید برای آن برنامه‌ریزی کنند. مساله دیگر اینکه تولید حمایت می‌خواهد و حمایت از تولید در ید دولت‌هاست. گفته‌اند مثلاً هر دولتی حق دارد که تنظیم بازار کند، دولت فکر کرده شب‌های عید باید میوه بیاورد و به هر کسی هم که می‌گویم تنظیم بازار، می‌گوید در ایام عید، قیمت میوه تنظیم می‌شود و در ماه مبارک رمضان نیز زولبیا و مایه است؛ البته بخش نازل مساله این است و واقعیت این است که اولین حمایت از تولیدات کشور، این است که باید به گونه‌ای باشد که واردات به آن لطمه نزند و تنظیم می‌کند که اگر تولید جوابگوی مصرف داخلی بود، مانع واردات می‌شویم که تولید بتواند جای خود را باز کند.

■ **الان وضعیت واردات چگونه است؟**

وضعیت واردات بسیار بد است. یک زمانی می‌گویم واردات نداشته باشیم، اصلاً این حرف در اقتصاد غلط است یا می‌گویم صادرات انجام نشود، این حرف هم اشتباه است و واردات و صادرات هر دو می‌توانند جایگاه خوبی داشته باشند ولی در زمان درست. ما در کشور و در نظام هم حفظ تولید با ارائه تسهیلات باید داشته باشیم و هم به مصرف‌کننده ظلم نشود و این جایی است که دولت اختیار تنظیم بازار را دارد. زمانی که کالا بیش از حد معمول به مصرف داخلی برسد، باید بستر صادرات توسط دولت‌ها به سرعت ایجاد شود و آن هم میان بسیار وسیعی است که ما چگونه باید وارد بازارهای مختلف شده و با رقبا عمل کنیم و صادرات هم اینگونه نیست که ما یک روز به بگویم می‌خواهیم وارد بازار آلمان شویم، بدون اینکه بدانیم رقبای‌مان چگونه عمل می‌کنند.فرض کنید رقبای ما به آلمان می‌روند برای نمایشگاه و بلیت هواپیمایش هم مجانی است و از مالیات هم مفاه هستند و اگر می‌خواهید وارد آن بازار شوید، اگر بدون شناخت از رقبا باشد، مشکل خواهید داشت و اینها مسائلی است که حتماً باید تنظیم بازار داخلی در ید دولت باشد و بدانند چه زمانی برای صادرات یک کالا اقدام کند و چگونه وارد شود که بازار داخلی به مشکل نخورد.

اگر یک زمانی کمبود کالا در کشور در یک موردی بود، نباید بگذاریم کسانی که می‌خواهند سواستفاده کنند با کمبود کالا نرخ آن را بالا ببرند و باید سریع با واردات، تنظیم بازار را انجام دهیم. این یک بخش است، البته بسیار گسترده‌تر از این است.

■ **وضعیت بانکی در حال است؟**

خب؛ یکی از امکاناتی که تولید نیازمند است، بحث نقدینگی است و این مساله نیز از طریق بانک‌ها باید تأمین شود. متأسفانه ما هیچ بانک موفقی در کشور نداریم، بانک‌ها همه ورشکسته هستند. نحوه سیاست‌گذاری بانک با دادن سود کلان و گرفتن سود، کلان هر دو خسارت‌آور است و اصلاً تولید امکان پرداخت چنین سودی را ندارد. کسانی که به عنوان تولید به سمت بانک‌ها رفتند، از سر ناچاری بوده است و یقیناً آن تولید



زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

زنگنه

وجود دارد. یکی از وزیران دولت هم چندی پیش خدمت مقام معظم رهبری گفت یکی از بزرگ‌ترین مشکلات ما بیکاری است ولی الان دوربین به آنها اجازه نمی‌دهد این صحبت‌ها را بگویند. کسی که ۴ سال فرصت داشته تا کارها را اصلاح کند ولی این کار را نکرده است، چطور می‌تواند برای بعد قول دهد. یک کسی می‌گوید قرار بود من ۲۰۰ کیلومتر راه طی کنم و به دلیل مشکلاتی که داشتم ۸۰ کیلومتر را طی کرده‌ام و امیدوارم در دوره بعد بتوانم باقی‌مسیر را طی کنم، اما آیا حتی آن ۸۰ کیلومتر هم طی شده است؟ خیر! آمار و ارقام، جامعه و بازار این را می‌گوید که هیچ اتفاقی نیفتاده است.

■ **درباره تورم، دولت خیلی مانور می‌دهد.**

شما بروید در خیابان از ۲۰ نفری که باید گوشت، مرغ و نان بخرند در این زمینه بپرسید، خیلی از آنها معتقدند این اتفاق نیفتاده است البته ممکن است در برخی کالاها که مردم قدرت خرید آنها را ندارند، تورم پایین باشد اما در آن کالاهایی که ضرورت مردم است و مردم باید آنها را بخرند، تورم وجود دارد و در برخی کالاها تورم ۱۰۰ درصد و برخی دیگر ۲۰ درصد است.

■ **دولتی‌ها می‌گویند وضع آنچنان بد بوده که شرایط فعلی خوب است، حتی یکی از حامیان دولت اخیراً گفته تعطیلی این مقدار کار خانه طبیعی است.**

هم تعداد کارخانه‌های تعطیل شده زیاد است و هم ظرفیتی که الان کارخانه‌ها با آن کار می‌کنند، ۵ درصد ظرفیت‌شان است. پیشتر کارخانه‌ها ۳۰ تا ۴۰ درصد تعطیل هستند و ۲۰ درصد هم با ۵۰ درصد ظرفیت کار می‌کنند، ۲۰ درصد دیگر ۶۰ درصد ظرفیت دارند و ۱۰ تا ۱۵ درصد هم در حد لب مرز و باقی تعطیل هستند. ■ **به نظر شما آیا می‌شود گفت بازار خوابیده؟**

بله! این مساله براحتی در تمام شهرک‌های صنعتی وجود دارد، برای مثال شما بروید شهرک‌های صنعتی استانبول، قزوین، ۴۰ تا ۵۰ کارخانه را که بر زمین متوجه می‌شوید چگونه کار می‌کنند، مشتم هم نشانه خورار است، اکثر شهرک‌های صنعتی ما وضعیت بسیار نابسامانی دارند. بسیاری از کارخانجات ما کارگران خود را بیرون کرده‌اند و آنهاپی هم که هستند اگر امکانات مالی برای‌شان فراهم نبوده، بسیار زودتر از آن خارج می‌شدند. اینکه دولت مدعی است با این شرایط وضعیت بهتر نمی‌شده، مگر الان وضعیت تغییری کرده که قول دوباره می‌دهد؟

اگر وضعیت بهتر شده که مردم باید حس کنند و اگر وضعیت بد است که به مردم صادقانه بگویند بنا به این دلایل وضعیت بد است. یکی از معضلاتی که در جامعه ما وجود دارد، فساد است، ما در کشور جمهوری اسلامی هستیم اما هنوز اختلاس‌های ۳ هزار میلیاردی، ۸ هزار میلیاردی و ۱۲ هزار میلیاردی وجود دارد. مردم چگونه و بازار حساب می‌کنند اگر این ارقام بین مردم تقسیم می‌شده، به هر ایرانی به طور مثال ۲۵۰ هزار تومان می‌رسید. واقعاً مسؤولان باید مصمم باشند و وضعیت فاقمل‌بازی، دوست‌بازی و جناح‌بازی نباشد. اگر قرار است کشور سلامت باشد، باید ما و را از ماست بیرون کنید و هر کسی پاشی را کج گذاشت، آن را قطع کنید نه اینکه هر کسی هر کاری را برای خواست انجام دهد و کسی کاری با او نداشته باشد. معمولاً کارهای اداری در کشور ما غیرعادی حل می‌شود و هیچ کار اداری نیست که به شکل عادی در دنیا توانستیم جلوی ارباب‌دزتها بنشینیم و حرف بزنیم.

■ **هر دولتی که در آینده بیاید و بگوید می‌خواهم این مسیر را تغییر دهم و مسیر جدیدی را طی کنم، به نظر شما بازار ظرفیت این تغییر را دارد و علاقمند به این مساله‌است؟**

کسی که می‌خواهد رئیس‌جمهور شود باید بداند وضعیت عادی نیست و در مردم بخواهد با کمک همدیگر این وضعیت را برطرف کنند. بازار هم تغییر وضع موجود می‌خواهد. این مشکل را با کمک یکدیگر می‌توانیم از بین ببریم و هیچ دولتی هم به تنهایی قادر نخواهد بود مشکلات را از بین ببرد و باید دولت آینده بیاید و به مردم بگوید. مگر می‌شود فردی که بدهکار است، مشکل شغل‌تان را حل کند، آن فسر فقط می‌تواند مشکل بدهی‌اش را حل کند. الان وضعیت نابسامان است. رئیس‌جمهور بعدی با دولتی که این همه بدهی ایجاد کرده، مگر می‌تواند تنهایی کاری کند و باید مشکلات را با مردم در میان بگذارد. از سوی دیگر باید دهم، از سوی دیگر دولت باید به تولید کمک کند تا از حلقه تراز اقتصادی نمره مثبتی داشته باشد تا مساله اقتصاد حل شود، یکی از مسائلی بحث صادرات است. کشوری که صادرات دارد، اصلاً بیکاری نخواهد داشت.

زاین را نگاه کنید. یک فرد بیکار ندارد و حتی نیروی کار هم از کشورهای دیگر می‌گیرد. چون به صادراتش اهمیت می‌دهد، یک فرد بیکار در آن کشور نیست ولی ما برعکس عمل می‌کنیم و هر روز بازارهای جهانی را آبادتر می‌کنیم و از کشور چین هر کالایی که تصور کنید، وارد می‌کنیم.

■ **چند روزی است یک ضرب‌المثل بامزه در فضای مجازی درباره تبلیغات خانه کارگر برای روحانی منتشر شده که این رای کارگران چین است چرا که روحانی برای آنها بخوبی کار درست کرده است و حتی در مراسم روز کارگر نیز کارگران شعار دادند و ناراضانی نیز در بازاربان ایجاد شده؛ در این زمینه صحبت کنید.**
با عملکردی که دولت داشت، در حقیقت همه ناراضی هستند. به نظرم روحانی خیلی بدسلیغی کرده است و برایش گران هم تمام می‌شود. اینکه به کارگران گفته‌اند مزدور خیلی زشت است، کارگری که پولش را هم نداشته، فشار زندگی دارد کمرش را خرد می‌کند و در آن مراسم دروش را بیرون ریخته بود، وقتی به وی بگویم مزدور و بگویم دهان‌تان را خرد می‌کنیم، دیگر نمی‌توانیم به این سادگی مساله را جمع کنیم. مشکل‌شان را که حل نکرده حداقل تحمل اعتراض‌شان را داشته باشد.

یادروقی ۴۳
<div><div>متن کتاب «تیره‌ی میسان» نویسنده فرانسوی درباره حادثهٔ ۱۱ سپتامبر</div><div><div></div><div><div>دروغ بزرگ</div></div></div></div>
<div><div>خط لوله سومی نیز که دارای آینده روشن‌تری است، دریای کاسپین (خزر) را به قایق‌وس هند وصل خواهد کرد. (این پروژه به سرپرستی شرکت یونوکال و با همکاری دلتاویل انجام می‌شود. اما این پروژه دارای مشکل بزرگی است، این خط لوله نه‌تنها از میان پاکستان می‌گذرد که بالاچیر از میان افغانستان نیز عبور می‌کند؛ کشوری که پس از شکست کامل روس‌ها و از میان رفتن هرگونه دولت سازمان یافته در آن، صحنه مناقشات و درگیری‌های داخلی بوده است. در دسامبر ۱۹۹۷، شرکت نفتی یونوکال ناگزیر شد پروژه خود را به دلیل عدم تفاهم با رژیم طالبان به حالت تعلیق درآورد. همه اقدامات به‌عمل آمده برای یافتن راه حلی درباره این وضعیت ناکام ماند هر چند حتی معاون کمپانی یونوکال یعنی جان مارسکا به عنوان سفیر آمریکا در افغانستان تعیین شد. به منظور آغاز مجدد مذاکرات، کالین پاول، وزیر خارجه آمریکا یک کمک ۴۳ میلیون دلاری را به رژیم طالبان برای جایگزین ساختن کشت خشخاش توسط روستایان به تصویب رساند که پس از کسب موافقت سرنان اجلاس گروه هشت در ژنو (که هند نیز در آن به‌عنوان ناظر شرکت کرد) مذاکرات چندجانبه در برلین سازماندهی شد و نمایندگان کشورهای آمریکا، انگلیس، پاکستان، افغانستان و روسیه در آن حضور یافتند. آلمان به واسطه ریاست بر گروه تماس سازمان ملل با افغانستان، میزبان این اجلاس بود. اما سوال این بود که مذاکرات با کدام‌یک از افغان‌ها صورت خواهد گرفت؟ با دولت قانونی پرزیدنت ربانی که با وجود شناسایی بین‌المللی دیگر کنترلی روی بخش اعظم کشور نداشت یا با امارت اسلامی که تحت حاکمیت یک فرقه قرون وسطایی به نام طالبان بود؟ گردانندگان اجلاس تصمیم گرفتند که گروه دوم را دعوت کنند که البته این نقض آشکار قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل مبنی بر ممنوعیت پذیرش مقامات رژیم طالبان بود. بدین ترتیب مقامات طالبان با در دست داشتن روایتد معتبر به آلمان سفر کردند تا در هامبورگ موعظه کرده و به جمع‌آوری منابع مالی بپردازند. طالبان یک گروه برادری نزدیک به هم هستند؛ فرقه‌ای از مذهب تسنن که بازگشت به شکل صدر اسلام را تبلیغ می‌کند. رهبران آن کهنه‌سربازان جنگ علیه روس‌ها هستند که همگی هنگام جنگ معلول شده‌اند. آنها یک ملای دهاتی به نام عمر را به رهبری برگزیده‌اند که هرگز به خارج مسافرت نکرده و حتی یک‌سوم کشورش را نمی‌شناسد. در هرج و مرج‌های ناشی از عقب‌نشینی روس‌ها، طالبان از مزیت روابط نژادی سود جست. مانند اکثر سرنان سرویس‌های مخفی پاکستان (ISI)، آنها پشتون هستند. ملاعمر خود را امیرالمومنین نامید و یک امپراتوری تشکیل داد که فقط توسط پاکستان، عربستان سعودی و امارات عربی متحده به رسمیت شناخته شد. به دلیل فقدان مهارت در روابط بین‌الملل، آنها به دوستان آمریکایی خود که در جنگ علیه روس‌ها آنها را یاری کرده بودند روی آوردند بنابراین لایلاهمز، خواهرزاده پیرچادر هلمز (مدیر سیا از ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۳) به طور غیررسمی نمایندگی آنها در سازمان ملل را بر عهده گرفت. در سیاست داخلی در میان مردم نظمی آهینس برقرار کردند. علیه زنان تبعیض روا داشتند و از اعمال لامذهبی جلوگیری کردند. بعد از اینکه برای مدتی اجازه دادند تریاک کشت شود، سپس آن را قذفن کردند و بعضی از روستاییان از هر درآمدی محروم شدند. طالبان بخش وسیعی از کشور را در اختیار اسامه بن لادن قرار دادند. طالبان که در ریزه‌کاری‌های دیپلماتیک تجربه‌ای نداشتند، درصدد برآمدن در ازای به رسمیت شناخته شدن رژیم‌شان از طرف دولت‌های خارجی اجازه دهند خط لوله از افغانستان عبور کند. وقتی که دیدند این غیرممکن است چون که سازمان ملل دولت دیگری را به رسمیت می‌شناخت (دولت سست بنیاد پرزیدنت ربانی) به گفت‌وگوها پایان دادند. طبق گفته دیپلمات پاکستانی، نواز ثانیک، طالبان شروع به تهدید کرد و از ایست جلولای اعلام کرد که مساله را با سلاح حل خواهند کردند. ایالات متحده طرحی ریخت تا رهبران اساسی افغانستان را حذف کند، چه ملامع باشد چه فرمانده مسعود (که احساسات ضدآمریکایی‌اش مثال‌زدنی بود) و به جای آنها یک حکومت دست‌نشانده سر کار آورد. می‌خواستند با دعوت از ظاهر شاه، پادشاه اسبق افغانستان یک پادشاه فراموش شده که روزهای آخر زندگی‌اش را در رم در تبعید می‌گذراند، به حکومت دست نشانده قدری مشروعت ببخشند. در اواسط جولای، قدرت‌های بزرگ با این نقشه موافقت کردند.</div></div>
ادامه دارد